

۱۸۶ _ ای ثابت بر پیمان سه نامه از تو متتابعاً رسید بدون فاصله از مضامین معلوم گردید که در کلیولند از همسات بعضی ناقضین قلوب متأثر شده است و در میان احباب الفت فتور یافته سبحان الله از پیش صد مرتبه اخبار شده که ناقضان در کمینند و بوسیله میخوانند میان احبا اختلاف اندازند تا این اختلاف منتهی بنقض میثاق شود با وجود این چگونه احبا از این تصریح غفلت نمودند مسئله محکم و متین است و غایت مختصر یا حضرت بهاءالله عالم بود و دانا بود و از عواقب امور باخبر یا نادان و خطاکار این عهد و میثاق باین عظیمی از قلم اعلی از عموم احبا گرفت اول از اغصان و افنان و منتسبین و امر باطاعت کرد و امر بتوجه نمود و باثر قلم اعلی تصریح فرمود که مقصود از این آیه کتاب اقدس غصن اعظم است اذاغیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء فی المآل توجهوا الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الأصل القديم معنای مجمل اینست که بعد از صعود من باید ای اغصان و افنان و منتسبین و عموم احباء الله توجه بفرع منشعب از اصل قدیم کنید و همچنین بصریح کتاب اقدس میفرماید یا اهل الأنشاء اذا طارت الورقاء عن ایک الثناء و قصدت المقصد الأقصى الأخری ارجعوا ما لا عرفتموه من الکتاب الی الفرع المنشعب من هذا الأصل القویم خطاب بجمیع خلق میفرماید چون حمامه قدس از حدیقه ثناء پرواز کند و قصد مقصد اقصی و پنهان نماید یعنی چون جمال مبارک از عالم ظهور توجه بعالم غیب نماید هر چه را از کتاب نمیفهمید راجع کنید بفرع منشعب از اصل قدیم یعنی آنچه که او بیان میفرماید او حقیقت واقع است و در کتاب عهد بصریح عبارت میفرماید که مقصود از این فرع منشعب غصن اعظم است و جمیع اغصان و افنان و منتسبین و احبا را امر بتوجه میفرماید حال یا باید گفت جمال مبارک خطا فرمودند یا باید اطاعت کرد و عبدالبهاء امری ندارد که ناس را دعوت باطاعت کند مگر نشر نفحات الله و اعلاء کلمة الله و ترویج وحدت عالم انسانی و تأسیس صلح عمومی و امثال ذلک از اوامر الهی این اوامر الهی است دخلی بعبدالبهاء ندارد هر کس خواهد موافقت نماید و هر کس نخواهد خود میداند حال بعضی از مفسدین بانواع حیل در فکر ریاستند و بجهت حصول ریاست شبهاتی میان احبا القا مینمایند که سبب اختلاف شود و اختلاف سبب آن گردد که

یک حزبی را تابع خود کنند ولی احبای الهی باید بیدار باشند و بدانند از این القای شبهات مقاصد نفسانیست و حصول ریاست وحدت بهائیرا از دست ندهید و وحدت بهائی جز بتمسک بميثاق الهی ممکن نه باری شما آرزوی سفر باطراف دارید تا نشر نفعات الله نمائید بسیار موافق البته تأییدات الهی برسد و قوه عهد و ميثاق ترا مظفر و منصور نماید *